

به نام خدا

بازی درمانی و اهمیت آن در کلاس درس

مؤلفان :

حمید اقبالی

سمیرا نظامی کاریزنو

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : اقبالی ، حمید ، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآورندگان: بازی درمانی و اهمیت آن در کلاس درس / مولفان: حمید اقبالی ، سمیرا نظامی کاریزنو
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۰۶-۰
شناسه افزوده : نظامی کاریزنو ، سمیرا ، ۱۳۶۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : بازی درمانی - کلاس - درس
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۲۱۳۶۷۹۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : بازی درمانی و اهمیت آن در کلاس درس
مولفان: حمید اقبالی - سمیرا نظامی کاریزنو
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : الهام غفاری - محدثه فرهنگد
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۸۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۰۶-۰
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار	۵
مقدمه	۷
فصل اول: مبانی نظری بازی‌درمانی و جایگاه آن در آموزش	۹
مفهوم بازی‌درمانی و سیر تحول آن در علوم تربیتی	۱۴
نقش بازی در رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و رفتاری کودک	۲۰
تفاوت بازی آموزشی، بازی تربیتی و بازی‌درمانی	۲۵
جایگاه بازی‌درمانی در محیط مدرسه و کلاس درس	۳۰
فصل دوم: کارکردهای بازی‌درمانی در شناسایی و کاهش مشکلات دانش‌آموزان ...	۳۷
بازی‌درمانی و شناسایی دشواری‌های هیجانی و رفتاری	۴۲
نقش بازی در کاهش اضطراب، پرخاشگری و گوشه‌گیری	۴۷
تأثیر بازی‌درمانی بر افزایش اعتماد به نفس و خودتنظیمی	۵۲
کاربرد بازی‌درمانی در بهبود روابط دانش‌آموز با معلم و همسالان	۵۷
فصل سوم: روش‌ها و شیوه‌های اجرای بازی‌درمانی در کلاس درس	۶۳
اصول طراحی فعالیت‌های بازی‌محور متناسب با سن و نیاز دانش‌آموزان	۶۸
نقش معلم در هدایت، مشاهده و ارزیابی فرایند بازی‌درمانی	۷۲
استفاده از بازی‌های فردی، گروهی و نمایشی در موقعیت‌های آموزشی	۷۶
مدیریت زمان، فضا و امکانات برای اجرای بازی‌درمانی در کلاس	۸۰
فصل چهارم: پیامدها، چالش‌ها و راهکارهای توسعه بازی‌درمانی در مدرسه	۸۵
تأثیر بازی‌درمانی بر یادگیری، مشارکت و انگیزه تحصیلی	۸۸
موانع اجرایی بازی‌درمانی در کلاس درس و مدرسه	۹۱
نقش خانواده و همکاری خانه و مدرسه در اثربخشی بازی‌درمانی	۹۵

۹۸..... راهکارهای بومی‌سازی و نهادینه‌سازی بازی‌درمانی در نظام آموزشی

۱۰۳..... نتیجه‌گیری

۱۰۷..... منابع

پیشگفتار

کلاس درس تنها محلی برای انتقال دانش و آموزش مهارت‌های علمی نیست، بلکه فضایی برای رشد همه‌جانبه کودکان از نظر عاطفی، اجتماعی و رفتاری نیز به شمار می‌آید. کودکان بخش مهمی از تجربه‌های خود را در محیط مدرسه شکل می‌دهند و بسیاری از نگرانی‌ها، هیجان‌ها، تعارض‌ها و نیازهای روانی آنان در همین فضا بروز پیدا می‌کند. از این رو توجه به سلامت روانی و عاطفی دانش‌آموزان در کنار آموزش درسی، از مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی محسوب می‌شود. در میان روش‌های گوناگون حمایت از رشد روانی کودکان، «بازی» جایگاهی ویژه دارد. بازی زبان طبیعی کودک است؛ کودکان از طریق بازی احساسات، ترس‌ها، آرزوها و تجربه‌های خود را بیان می‌کنند. آن‌ها در جریان بازی می‌آموزند چگونه با دیگران ارتباط برقرار کنند، هیجان‌های خود را مدیریت کنند، مسئله‌ها را حل نمایند و با شرایط گوناگون زندگی سازگار شوند. به همین دلیل بازی نه تنها یک فعالیت سرگرم‌کننده، بلکه ابزاری مؤثر برای رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک به شمار می‌آید.

بازی درمانی رویکردی است که از ظرفیت‌های طبیعی بازی برای کمک به کودکان در بیان احساسات، کاهش تنش‌های روانی و تقویت مهارت‌های رفتاری و اجتماعی بهره می‌گیرد. هنگامی که این رویکرد به صورت آگاهانه و هدفمند در محیط مدرسه و به ویژه در کلاس درس به کار گرفته شود، می‌تواند به بهبود روابط میان دانش‌آموزان، کاهش رفتارهای ناسازگار، افزایش انگیزه یادگیری و ایجاد فضایی امن و پویا برای رشد کودکان کمک کند. معلمان به عنوان نزدیک‌ترین افراد به دانش‌آموزان در محیط آموزشی، نقش بسیار مهمی در شناسایی نیازهای عاطفی و رفتاری آنان دارند. آشنایی معلمان با اصول و شیوه‌های بازی درمانی می‌تواند ابزار ارزشمندی در اختیار آنان قرار دهد تا ضمن آموزش

مفاهیم درسی، به رشد روانی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز توجه کنند. استفاده درست از بازی در کلاس درس، محیطی شاداب، فعال و حمایتگر ایجاد می‌کند که در آن یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد.

کتاب «بازی درمانی و اهمیت آن در کلاس درس» با هدف معرفی مبانی نظری بازی درمانی، بررسی کاربردهای آن در محیط آموزشی و ارائه راهکارهای عملی برای معلمان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت تدوین شده است. در این کتاب تلاش شده است تا با نگاهی علمی و در عین حال کاربردی، نقش بازی در بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی یادگیری مورد بررسی قرار گیرد.

امید است مطالب این کتاب بتواند برای معلمان، مشاوران مدارس، دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و همه علاقه‌مندان حوزه تعلیم و تربیت سودمند باشد و گامی هرچند کوچک در جهت ایجاد کلاس‌های درسی پویا، شاد و حمایتگر برای کودکان این سرزمین برداشته شود.

مقدمه

کودکی، فصلی از کتاب هستی است که در آن بذری شخصیت، هویت و توانمندی‌های انسان کاشته می‌شود. در این دوران، کودک با تمام وجود خود در حال کشف جهان است و ابزار او برای این کشفِ بزرگ، چیزی جز «بازی» نیست. بازی برای کودک، تنها یک سرگرمی زودگذر یا راهی برای پر کردن اوقات فراغت نیست؛ بلکه زبان اصلی بیانِ ناگفته‌های او، راهی برای پردازش هیجان‌ها و بستری برای تمرین زندگی در دنیای پیچیده بزرگسالان است. وقتی کودکی وارد محیط مدرسه می‌شود، این جهانِ پویا را با خود به کلاس درس می‌آورد. مدرسه، در نگاه کودک، نه فقط یک ساختمان آموزشی، که صحنه‌ای برای تکرارِ تعاملاتِ دنیای بیرونی اوست. از سوی دیگر، کلاس درس به عنوان کانون اصلی تعلیم و تربیت، وظیفه‌ای فراتر از انتقالِ انبوهی از اطلاعات علمی دارد. معلم، به عنوان معمارانِ جان‌های کوچک، همواره با چالشِ درگیری‌های عاطفی، اضطراب‌های پنهان، رفتارهای تکانشی و نیازهای روانی دانش‌آموزان روبرو هستند. گاهی یک دانش‌آموز به دلیل ترس از شکست، در لاکِ انزوا فرو می‌رود و گاهی دیگری به دلیلِ عدم توانایی در بیانِ هیجان‌های ناخوشایند، به پرخاشگری پناه می‌برد. در چنین شرایطی، اگر معلم تنها بر روش‌های سنتی انتقالِ دانش متکی باشد، نه تنها یادگیری عمیق رخ نخواهد داد، بلکه ممکن است بذری دل‌زدگی از مدرسه در ذهن کودک کاشته شود. اینجاست که مفهومِ «بازی‌درمانی» به عنوان پلی میان نیازهای روانی و اهداف آموزشی ظاهر می‌شود. بازی‌درمانی در محیط کلاس، یعنی تبدیلِ فضای یادگیری به محیطی که در آن کودک می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای بازی، به بازسازیِ تجربیاتِ دردناک یا پیچیده خود بپردازد. وقتی معلمی با اصولِ بازی‌درمانی آشنا باشد، می‌داند چگونه از یک فعالیت ساده گروهی، برای ترمیمِ اعتماد به نفسِ یک کودکِ گوشه‌گیر استفاده کند یا چگونه با یک بازیِ هدفمند، تنش‌های یک کلاسِ بی‌قرار را به آرامش و تمرکز تبدیل نماید. اهمیتِ بازی‌درمانی در کلاس درس در

این است که به کودک اجازه می‌دهد بدون ترس از قضاوت شدن، خود واقعی‌اش را نشان دهد. در بازی، کودک مضطرب می‌تواند نقش یک فرد شجاع را بازی کند و از این طریق، بر ترس‌های درونی‌اش غلبه نماید. دانش‌آموزی که مهارت‌های کلامی ضعیفی دارد، در بستر بازی می‌تواند با هم‌کلاسی‌هایش ارتباط برقرار کند و احساس ارزشمندی را تجربه نماید. بازی درمانی، کلاس درس را از یک فضای خشک و رقابتی، به محیطی همدلانه و حمایتگر تبدیل می‌کند که در آن، سلامت روان کودک به عنوان پیش‌نیاز موفقیت علمی به رسمیت شناخته می‌شود. ثمر واقع، هدف اصلی این رویکرد، درگیر کردن تمام ابعاد وجودی کودک در فرآیند رشد است. وقتی معلم امروز، هنر استفاده از بازی به عنوان ابزاری برای بهبود رفتار و تقویت مهارت‌های اجتماعی را می‌آموزد، در واقع خشت اول جامعه‌ای سالم‌تر را بنا می‌کند. این کتاب، دعوتی است برای گذار از رویکردهای انحصاری آموزشی به سوی مدل‌های کل‌نگر؛ مدلی که در آن بازی، نه در تقابل با درس، بلکه در خدمت کیفیت یادگیری قرار دارد. ما بر آن هستیم تا با تکیه بر اصول علمی و تجربی، نشان دهیم که چگونه کلاس درس می‌تواند با آغوش باز، پذیرای دنیای خیال‌انگیز کودکان باشد و چگونه می‌توان از طریق بازی، گره‌های روانی را گشود و راه را برای شکوفایی استعدادهای نهفته در جان دانش‌آموزان هموار کرد. در ادامه این اثر، ما به بررسی دقیق این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه معلمان می‌توانند با کمترین امکانات و با تکیه بر خلاقیت خود، از بازی برای کاهش ناهنجاری‌ها، تقویت همدلی و ایجاد انگیزه در کلاس بهره ببرند. امیدواریم این مقدمه، آغازگر مسیری باشد که در آن مدرسه، مکانی برای زیستن شادمانه و یادگیری معنا دار باقی بماند، چرا که معتقدیم کودکی که شادمانه بازی می‌کند و در حین بازی، درس زندگی می‌آموزد، فردای روشن‌تری را برای خود و جامعه‌اش رقم خواهد زد. این کتاب تلاشی است برای ارج نهادن به زبان مشترک همه کودکان جهان؛ زبانی که هیچ مرز و مانعی نمی‌شناسد و آن زبان، چیزی جز بازی نیست.

فصل اول:

مبانی نظری بازی‌درمانی و جایگاه آن در آموزش

مبانی نظری بازی‌درمانی و جایگاه آن در آموزش، از مهم‌ترین حوزه‌های مورد توجه در علوم تربیتی، روان‌شناسی رشد و تعلیم و تربیت معاصر به شمار می‌آید، زیرا بازی نه تنها یک فعالیت لذت‌بخش و طبیعی برای کودک است، بلکه زبانی زنده، پویا و عمیق برای بیان تجربه‌های درونی، احساسات پنهان، تعارض‌های ذهنی و نیازهای رشدی او محسوب می‌شود. هنگامی که کودک هنوز توانایی کافی برای بیان دقیق هیجان‌ها، ترس‌ها، ناکامی‌ها و آرزوهای خود از راه گفتار مستقیم را به دست نیاورده است، بازی به صورت ابزاری کارآمد وارد میدان می‌شود و امکان می‌دهد آنچه در درون او جریان دارد، در قالب کنش، حرکت، نقش‌آفرینی، تخیل و تعامل با اشیا و دیگران آشکار شود. به همین دلیل، بازی‌درمانی در بنیان نظری خود بر این اصل استوار است که بازی، زبان طبیعی کودک و وسیله‌ای برای شناخت و مداخله تربیتی و عاطفی است. در محیط‌های آموزشی نیز این اصل اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، زیرا مدرسه و کلاس درس، تنها محل انتقال دانسته‌ها نیستند، بلکه بستر شکل‌گیری شخصیت، روابط اجتماعی، احساس امنیت، خودپنداره و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان به شمار می‌روند. از این منظر، پرداختن به مبانی نظری بازی‌درمانی، به معنای فهم یکی از بنیادی‌ترین راه‌های ارتباط با کودک و یاری رساندن به رشد همه‌جانبه او در محیط یادگیری است.

بازی در تاریخ اندیشه تربیتی، همواره مورد توجه صاحب‌نظرانی بوده است که رشد کودک را فرایندی فعال، تدریجی و چندبعدی می‌دانستند. در دیدگاه‌های نوین تربیتی، کودک موجودی منفعل و صرفاً دریافت‌کننده آموزش تلقی نمی‌شود، بلکه فردی پویا،

جست‌وجوگر، معنajo و در حال ساختن جهان ذهنی خویش است. در چنین نگاهی، بازی نقش محوری پیدا می‌کند، زیرا کودک از راه بازی، جهان پیرامون را تجربه می‌کند، رابطه میان علت و معلول را درمی‌یابد، نقش‌های اجتماعی را تمرین می‌کند، مرزهای توانایی خود را می‌آزماید، ناکامی را تجربه می‌کند و دوباره برای رسیدن به هدف تلاش می‌نماید. بنابراین، بازی درمانی تنها یک روش برای رفع مشکل نیست، بلکه بر بنیانی استوار است که کودک را در متن تجربه زیسته‌اش می‌فهمد و می‌کوشد با استفاده از ظرفیت طبیعی بازی، به تنظیم هیجانی، رشد شناختی، تقویت ارتباطات اجتماعی و کاهش تنش‌های درونی او کمک کند. در نتیجه، هرگونه بحث درباره جایگاه بازی درمانی در آموزش، ناگزیر از درک این مبنا است که یادگیری اصیل و پایدار، صرفاً در فضای خشک، یک‌سویه و حافظه‌محور اتفاق نمی‌افتد، بلکه در بستری از تجربه، تعامل، هیجان، مشارکت و معنا شکل می‌گیرد.

از منظر روان‌شناسی رشد، بازی یکی از شاخص‌ترین نشانه‌های سلامت روانی و پویایی ذهنی کودک به شمار می‌رود. کودکی که بازی می‌کند، در حال تجربه کردن، بازآفرینی کردن، معنا دادن و سازماندهی کردن جهان خود است. او از راه بازی می‌تواند ترس‌هایی را که در زندگی واقعی برایش طاقت‌فرسا هستند، در فضایی امن بازسازی و کنترل کند. برای نمونه، کودکی که تجربه جدایی، ناکامی، تنبیه، تعارض خانوادگی یا فشار آموزشی را از سر گذرانده است، ممکن است این تجربه‌ها را در قالب نقش‌آفرینی، ساختن موقعیت‌های خیالی، تکرار یک کنش خاص یا تعامل نمادین با ابزار بازی بازنمایی کند. این بازنمایی، صرفاً تکرار یک رفتار نیست، بلکه تلاشی برای فهم، پردازش و تسلط یافتن بر تجربه‌ای است که در ذهن و عاطفه کودک اثر گذاشته است. به همین سبب، بازی درمانی بر این فرض تکیه دارد که اگر برای کودک فضایی امن، هدایت‌شده و پذیرا فراهم شود، بازی

می‌تواند به وسیله‌ای درمانگر بدل شود؛ وسیله‌ای که کودک از طریق آن، بدون فشار مستقیم و بدون نیاز به بیان پیچیده کلامی، به تعادل روانی نزدیک‌تر می‌شود.

مبانی نظری بازی‌درمانی، بر شناخت ماهیت نمادین بازی نیز تأکید فراوان دارند. در بازی، اشیا و رفتارها اغلب معنایی فراتر از ظاهر خود پیدا می‌کنند. یک عروسک می‌تواند نماینده مادر، یک خانه کوچک می‌تواند تصویر ذهنی کودک از خانواده، و یک نبرد خیالی می‌تواند نماد تعارض‌های درونی یا بیرونی او باشد. همین ویژگی نمادین سبب می‌شود بازی به ابزاری منحصر به فرد برای شناخت دنیای درونی کودک تبدیل شود. در فضای آموزشی، این ویژگی اهمیت دوچندان می‌یابد، زیرا بسیاری از مشکلات رفتاری یا افت تحصیلی دانش‌آموزان، ریشه در اضطراب‌ها، احساس ناایمنی، ناتوانی در تنظیم هیجان یا ضعف در برقراری ارتباط دارند؛ اموری که اغلب در گفت‌وگوی مستقیم به‌آسانی آشکار نمی‌شوند. معلم یا مربی آگاه می‌تواند از طریق مشاهده دقیق بازی‌های دانش‌آموز، الگوهای رفتاری، نحوه تعامل با همسالان، میزان تحمل ناکامی، سبک حل مسئله و کیفیت ابراز هیجانی او را بهتر بشناسد. این شناخت، زمینه را برای مداخله تربیتی مؤثرتر و انسانی‌تر فراهم می‌سازد.

یکی از مهم‌ترین پایه‌های نظری بازی‌درمانی، نگاه کل‌نگر به کودک است. در این رویکرد، کودک مجموعه‌ای از نشانه‌های رفتاری جداگانه نیست، بلکه موجودی یکپارچه با ابعاد شناختی، عاطفی، جسمانی، اخلاقی و اجتماعی است. اگر دانش‌آموزی در کلاس درس بی‌قرار است، پرخاشگری می‌کند، گوشه‌گیری دارد، تمرکز کافی نشان نمی‌دهد یا نسبت به یادگیری بی‌علاقه است، نمی‌توان تنها با تذکر، تنبیه یا اجبار آموزشی به حل مسئله امیدوار بود. باید دریافت که این رفتارها ممکن است نشانه‌هایی از یک تعارض عمیق‌تر، یک نیاز ارضانشده، یک احساس نادیده گرفته‌شدن، یا تجربه‌ای از فشار و ناامنی باشند.

بازی درمانی به دلیل اتکای خود بر تجربه طبیعی کودک، امکان می‌دهد این نشانه‌ها در بستری غیرتهدیدکننده دیده و فهمیده شوند. در محیط آموزش، چنین نگاهی سبب می‌شود معلم از نقش صرف انتقال‌دهنده محتوا فراتر برود و به تسهیل‌گر رشد همه‌جانبه کودک بدل شود. بازی درمانی در بنیان نظری خود، با اصل پذیرش کودک نیز پیوندی عمیق دارد. پذیرش به این معناست که کودک با احساسات، ترس‌ها، ضعف‌ها، توانایی‌ها و شیوه خاص بیان خود، همان‌گونه که هست مورد توجه و احترام قرار گیرد. این اصل در فضای درمانی بسیار مهم است، اما در آموزش نیز نقشی تعیین‌کننده دارد.

دانش‌آموزی که احساس کند در کلاس فقط زمانی ارزشمند است که بی‌نقص، مطیع و موفق باشد، به تدریج از بیان خود واقعی فاصله می‌گیرد و چه‌بسا اضطراب، انزوا یا رفتارهای جبرانی در او تقویت شود. در مقابل، هنگامی که کلاس درس فضایی امن، منعطف و پذیرنده داشته باشد و بازی به عنوان ابزاری برای ابراز، تعامل و یادگیری به رسمیت شناخته شود، کودک احساس می‌کند دیده می‌شود و می‌تواند بدون ترس از قضاوت، در فرایند رشد مشارکت کند. بنابراین، یکی از جلوه‌های جایگاه بازی درمانی در آموزش، کمک به شکل‌گیری فرهنگ تربیتی مبتنی بر درک، همدلی و احترام به تفاوت‌های فردی است. از جنبه شناختی، بازی بستری غنی برای رشد ذهنی و یادگیری معنا دار فراهم می‌آورد. کودک در بازی، دست به کشف می‌زند، فرضیه می‌سازد، آزمون می‌کند، خطا می‌کند، نتیجه می‌گیرد و دانسته‌های خود را بازسازمان‌دهی می‌کند. این فرایند، هسته اصلی یادگیری فعال است. در واقع، بسیاری از مفاهیم آموزشی زمانی به شکلی عمیق در ذهن دانش‌آموز جای می‌گیرند که او آن‌ها را در جریان تجربه و کنش درک کند، نه آنکه صرفاً بشنود و حفظ کند. بازی درمانی هرچند با هدف مستقیم آموزش مفاهیم درسی پدید نیامده است، اما به دلیل ماهیت فعال، نمادین و رابطه‌محور خود، ظرفیت بالایی برای پیوند با آموزش دارد. کودکانی که از راه بازی به آرامش هیجانی بیشتر، تمرکز بهتر و احساس

امنیت بالاتری می‌رسند، آمادگی بیشتری برای یادگیری خواهند داشت. افزون بر این، فعالیت‌های بازی‌محور می‌توانند به رشد توجه، حافظه، برنامه‌ریزی، انعطاف‌پذیری ذهنی و حل مسئله کمک کنند؛ مهارت‌هایی که در موفقیت تحصیلی نقش اساسی دارند.

در بعد اجتماعی، بازی‌درمانی و اصول بازی‌محور، فرصت‌هایی گسترده برای رشد مهارت‌های ارتباطی فراهم می‌سازند. در بازی‌های گروهی، کودک نوبت گرفتن، رعایت قواعد، تحمل شکست، همکاری، همدلی، مذاکره و حل تعارض را تمرین می‌کند. این مهارت‌ها فقط برای زندگی اجتماعی مهم نیستند، بلکه برای موفقیت در کلاس درس نیز ضروری‌اند. بسیاری از مشکلات انضباطی یا ناسازگاری‌های دانش‌آموزان، ریشه در ضعف همین مهارت‌ها دارند. هنگامی که بازی به‌طور هدفمند در محیط آموزشی به کار گرفته شود، کلاس درس می‌تواند به فضایی برای تمرین زندگی جمعی تبدیل گردد. در چنین فضایی، دانش‌آموز نه فقط درس، بلکه شیوه بودن با دیگران را نیز می‌آموزد. از این رو، بازی‌درمانی در معنای گسترده خود، به غنی‌سازی روابط انسانی در مدرسه کمک می‌کند و از شکل‌گیری احساس طرد، رقابت ناسالم و انزوا جلوگیری می‌نماید.

جایگاه بازی‌درمانی در آموزش، با مسئله سلامت روان دانش‌آموزان نیز ارتباطی تنگاتنگ دارد. در جهان امروز، فشارهای تحصیلی، انتظارات خانوادگی، تغییرات اجتماعی، کاهش فرصت‌های بازی آزاد و گاه تجربه‌های دشوار زندگی، کودکان بسیاری را در معرض اضطراب، بی‌قراری، خشم، ناامیدی، افت انگیزه و کاهش احساس شایستگی قرار داده است. مدرسه نمی‌تواند نسبت به این واقعیت بی‌تفاوت باشد، زیرا یادگیری در غیاب سلامت روان پایدار نمی‌ماند. بازی‌درمانی با فراهم آوردن امکان تخلیه هیجانی، خودبیانگری، تجربه امنیت و تمرین تنظیم هیجان، می‌تواند نقش پیشگیرانه و حمایتی مهمی ایفا کند. اگر کلاس درس تنها به محلی برای ارزشیابی، رقابت و فشار تبدیل شود، بسیاری از

دانش‌آموزان فرصت بروز سالم هیجان‌ها و نیازهای خود را از دست می‌دهند. اما اگر بازی و رویکردهای نزدیک به بازی‌درمانی در برنامه آموزشی جای گیرند، مدرسه می‌تواند به محیطی برای رشد متعادل‌تر و انسانی‌تر تبدیل شود. در بررسی مبانی نظری بازی‌درمانی، باید به نقش رابطه نیز توجهی اساسی داشت. بازی‌درمانی تنها به خود بازی وابسته نیست، بلکه به کیفیت رابطه‌ای که در بستر آن شکل می‌گیرد نیز وابسته است. کودک زمانی از بازی برای ابراز واقعی خود بهره می‌گیرد که در حضور بزرگسال احساس اعتماد، امنیت و پذیرش داشته باشد. این اصل در کلاس درس نیز صدق می‌کند. معلمی که با صبوری، مشاهده‌گری دقیق، لحن آرام و نگرشی غیرقضاطی با دانش‌آموزان رفتار می‌کند، زمینه‌ای فراهم می‌سازد که در آن بازی بتواند کارکردی تربیتی و ترمیمی پیدا کند. در مقابل، اگر فضای کلاس آکنده از ترس، سرزنش و مقایسه باشد، بازی نیز ممکن است به رقابت ناسالم، کناره‌گیری یا بروز تنش تبدیل شود. از این‌رو، جایگاه بازی‌درمانی در آموزش، تنها در افزودن چند فعالیت بازی‌گونه به برنامه درسی خلاصه نمی‌شود، بلکه مستلزم تحول در نگرش تربیتی، شیوه ارتباط با دانش‌آموز و فهم عمیق‌تر از نیازهای رشدی او است.

مفهوم بازی‌درمانی و سیر تحول آن در علوم تربیتی

بازی‌درمانی یکی از شیوه‌های عمیق، مؤثر و انسان‌محور در شناخت و یاری‌رسانی به کودک است که بر پایه درک ماهیت طبیعی بازی و نقش آن در بیان دنیای درونی کودک شکل گرفته است. کودک در سال‌های نخست زندگی، بیش از آنکه بتواند احساسات، نگرانی‌ها، تعارض‌ها و خواسته‌های خود را به زبان مستقیم و کلامی بیان کند، آن‌ها را از راه کنش، حرکت، تخیل، نقش‌آفرینی و تعامل با ابزارهای بازی آشکار می‌سازد. از همین رو، بازی‌درمانی بر این اصل استوار است که بازی برای کودک تنها وسیله‌ای برای سرگرمی نیست، بلکه زبان طبیعی او برای ارتباط با جهان بیرون و ابراز تجربه‌های درونی است. این

رویکرد، کودک را موجودی فعال، پویا و برخوردار از توان خودبیانگری می‌داند و می‌کوشد با بهره‌گیری از فضای امن، پذیرنده و هدایت‌شده بازی، به شناخت بهتر نیازهای روانی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی او کمک کند.

در حقیقت، بازی‌درمانی راهی است برای آنکه کودک بتواند بدون احساس فشار، ترس یا اجبار، آنچه را در ذهن و دل او می‌گذرد در قالبی نمادین و قابل مشاهده آشکار سازد و از این راه به آرامش، تعادل و رشد بیشتر دست یابد. مفهوم بازی‌درمانی بر رابطه‌ای زنده میان بازی، رشد و درمان استوار است. در این نگاه، درمان تنها به معنای رفع نشانه‌های آشکار یک مشکل نیست، بلکه فرایندی برای بازگرداندن تعادل روانی، افزایش احساس امنیت، تقویت توان سازگاری و پرورش ظرفیت‌های درونی کودک به شمار می‌رود. هنگامی که کودک در بازی فرصت می‌یابد ترس‌های خود را بازسازی کند، تعارض‌هایش را در قالب نقش‌ها و موقعیت‌های خیالی به نمایش بگذارد، ناکامی‌های خود را دوباره تجربه و بازآفرینی کند، در واقع در حال پردازش تجربه‌های عاطفی خویش است. همین ویژگی سبب می‌شود بازی از سطح یک فعالیت عادی فراتر رود و کارکردی درمانگر پیدا کند. در فضای بازی‌درمانی، کودک مجبور نیست درباره مشکلات خود مستقیماً سخن بگوید، بلکه می‌تواند آن‌ها را زندگی کند، بازنمایی نماید و به شیوه‌ای تدریجی و طبیعی با آن‌ها کنار بیاید. این شیوه، به‌ویژه برای کودکانی که توان کلامی محدودتری دارند یا در بیان احساسات خود با دشواری روبه‌رو هستند، بسیار سودمند است.

اگر بخواهیم مفهوم بازی‌درمانی را به‌صورت دقیق‌تر بررسی کنیم، باید بگوییم که این رویکرد بر استفاده هدفمند از بازی برای کمک به رشد عاطفی، اجتماعی، شناختی و رفتاری کودک استوار است. در اینجا بازی صرفاً یک فعالیت آزاد و بی‌برنامه نیست، بلکه در بستری آگاهانه و با حضور فردی آموزش‌دیده یا آشنا با نیازهای کودک به کار گرفته